از مکتب
شماره ۱۲۳

درباره‌ٔ

روشهای خیانت بار اپورتونیستی ⑤

وقاحت برجسته‌ترین صفت حزب توده

صداقت صفت برجسته‌ این حزب (توده) است . . . مردم ۱۸ فروردین ۶۰

حزب توده (قبل از افشاء راپرت ضد انقلابی) :

حزب توده‌ی ایران هیچگاه در مورد مجاهدین خلق راپرت نداده است . این اتهامی بی پایه و دروغی زشت است و قاطعانه تکذیب می‌شود .

مردم چهارشنبه ۳۰/اردیبهشت/۶۰

(یک روز قبل از افشاء راپرت ۶۰/۲/۷ آن به نخست وزیری بر علیه مجاهدین که در مجاهد ۳۱ اردیبهشت افشا گردید)

حزب توده (بعد از افشاء راپرت ضد انقلابیش توسط مجاهد)

مجاهدین خلق ظاهرا به اسناد محرمانه‌ای که حزب توده ایران در اختیار مقامات مسئول قرار داده است، دسترسی پیدا کرده‌اند . . .

ما ضمن اعتراض جدی به خروج این اسناد و اخبار خواستار اتخاذ تدابیر جدی از جانب مقامات مسئول برای ممانعت تکرار این قبیل حوادث و کنترل و حفاظت دقیق این اسناد هستیم .

مردم چهارشنبه ۶/خرداد/۶۰

بدون شرح ! !

هیچ فکر کرده‌اید که چرا حزب توده اخیرا هر چهارشنبه جواب‌نما شده و نیزترین حرف هفته‌اش را چهارشنبه‌ها، علیه مجاهدین می‌زند؟ مثلا چرا در حالی که پنجشنبه ۳۱/ اردیبهشت سند خیانت‌بار راپرت ضد انقلابی او در مجاهد منتشر شده، چهارشنبه ۶/ خرداد به پاسخگوئی پرداخته است؟

اپورتونیسم خیانت‌پیشه، از آنجا که می‌داند در شرایط مخفی و خفقان، "مجاهد" حتما بایستی چند روز قبل از تاریخ رسمی انتشار (یعنی ۵شنبه‌ها) آماده شود، آنقدر صبر می‌کند تا در هر چهارشنبه (یعنی در آخرین فرصت) حرفش را بزند! به این امید که نخستین "مجاهد" (فردا) که حتما نخواهد توانست جواب او را بدهد و لذا جواب مجاهدین می‌ماند برای مجاهد هفته‌ی بعدی و به این ترتیب حزب توده در این فاصله‌ی ۸ روزه می‌تواند وانمود کند که: "دیدید مجاهدین حرفی در برابر ما نداشتند!؟ و الا باید در اولین مجاهد جواب می‌دادند . . . !"

خوب، برای فرصت‌طلب از این سون تا آن سون و از این هفته تا آن هفته هم "فرج"! است لیکن این بار، به دنبال افشاء راپرت ضد انقلابی حزب توده در ۲/۷ به نخست وزیری که بعدا گویا سرمنشاء تمام موضع‌گیری‌های حزب حاکم و بلندگویان و سخنگویان آن در مقامات و مواضع مختلف کشور بر علیه مجاهدین نیز گردید، فرصت‌طلبان خیانتکار بدجوری به دام افتادند. آنچه را در مطلع کلام از مردم ۶۰/۲/۳۰ و مردم ۶۰/۳/۶ آوردیم یک بار دیگر بخوانید.

مردم ۳/۶ بعد از لاطائلات وقاحت‌بازی که در توجیه راپرت ضد انقلابی خود بعمل آورده سرانجام چاره‌ی کار و اصلاح برفند کثیف خود را در این می‌یابد که بر سر مقامات به اصطلاح مسئول؛ غرغر کند که چرا مجاهدین به اسناد محرمانه دسترسی پیدا کرده‌اند؟ آنگاه ضمن اعتراض جدی خواستار اتخاذ تدابیر جدی برای ممانعت از تکرار این حوادث شده است تا دیگر دروغ‌پردازی‌های وقاحت‌بار ضد انقلابی، روشهای خیانت‌بار ساواکی و راپرت‌های ننگین که از "لندن" می‌رسید در محضر توده‌های مردم افشاء نگردند . . .

راستی "اتخاذ تدابیر جدی" که حزب توده به ارجاع پیشنهاد می‌کند به چه معناست؟ جز به معنای هرچه بیشتر زدن و کشن و شکنجه‌ی مجاهدینی که از چپاول‌های بنیاد مستضعفین، از اسرار چماق‌داری‌های حزب حاکم، از بوقلمون‌های کودتاچیانی نظیر آیت، از اسرار پشت پرده‌ی گروگان‌گیری و امثال این‌ها پرده بر می‌دارند و همه‌ی نگفتنی‌های مرتجعین و اپورتونیست‌ها را در محضر خلق باز می‌گویند؟!

راستی "حزب طراز نوین طبقه‌ی کارگر ایران"!! حزبی که "صداقت صفت برجسته‌ی" آن است! حزبی که دائما از این می‌نالد که مثلا چرا مجاهدین به سراغ مسائل زیربنائی! اقتصادی و اجتماعی کشور نمی‌روند، چه بیمی از افشاء چپاول‌های بنیاد مستضعفین و اسرار چماق‌داری و یا اسرار ناگفتنی مبارزه‌ی ضد امپریالیستی! دارد که این گونه "خواستار اتخاذ تدابیر جدی" برای عدم دسترسی مجاهدین به اسناد افتضاحات مرتجعین و فرصت‌طلبانی از قبیل خودش است؟

لیکن ما به این حائلان و محدان مرتجعین می‌گوئیم: هرچقدر می‌خواهید بر انقلابیون سخت بگیرید، بازهم بیشتر و بیشتر "تدابیر جدی" اتخاذ کنید، بگیرید و

سندید و نکبه بدهید و بکشید. ولی با خدا و خلق چه‌خواهید کرد؟ همان خلقی که همه‌ی "تدابیر جدی" ساواک رانیزبرسرخودش خراب کرد و خلقی که به رغم همه‌ی پرده‌پوشی‌ها، عوام‌فریبی‌ها، دروغ‌گوئی‌ها آنقدر رشید وبالغ شده است که دزدان انقلاب را از فرزندان راستین آن باز شناسد وهمه اسرار مگوی شما را، دیر یا زود تماما در معرض انظار جهانیان قرار دهد بنابراین یقین کنید، یقین کنید که تا در این‌کشور خلقی بپاخاسته و انقلابیونی جان بر کف وجود دارند، هیچ "تدابیر جدی" نخواهد توانست مانع افشاء نظایر شما گردد. مگر آن که در قبال آن همه ندامت که در برابر شاه کردید، یک بار- و فقط یک بار هم که شده- در برابر خلق نیز از فرصت‌طلبی و خیانت عذر تقصیر بخواهید و دیگر بر ضد خلق و انقلابیونش راپرت ندهید.

جالب اینست که توجیه‌گران ضد انقلابی که تا دیروز مدعی بودند" هیچگاه در مورد مجاهدین خلق راپرت نداده‌اند..." و این اتهام را قاطعانه! تکذیب می‌کردند، امروز که تنها در یک مورد پرده از عمل ننگین ضد خلقی آنان برداشته شده (درهمان مردم ۶/ خرداد) غر و لند می‌کنند که:

" تفاوت ما با رهبری مجاهدین خلق آنست که ما اخبار فعالیت‌ضد انقلاب را برای حراست انقلاب و دستاوردهای آن از نوطئه‌های ضد انقلاب، در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهیم، اما رهبری مجاهدین خلق از درون دستگاه دولت جمهوری اسلامی ایران خبر می‌گیرد و با انتشار آن منابع خبرگیری ما را به خطر می‌اندازد..."

ولی‌ما می‌گوئیم:

اولا: ای ننگ بر آن منابع لندنی خبرگیری که سر- منشاء تبلیغات و یاوه‌گوئی‌های فرصت‌طلبان‌و مرتجعین برعلیه انقلابیون هستند. اگر این را قبول ندارید که این منابع ننگین، ساواکی، انگلیسی، آلوده و کثیف هستند بیائید و یک بار هم که شده در پیشگاه مردم ایران منبع خبر "اطلاع ضد انقلاب از اعتراضات و راه‌پیمائی‌های مجاهدین از سه روز قبل" را که به نخست‌وزیری راپرت داده‌اید روشن کنید تا سیدروی شود هر که در او غش باشد!

هم‌چنین از مدعد ضد امپریالیست! عزیز خود در کرسی ریاست مجلس بخواهید که ایشان نیز یک بار هم‌که شده بیاید و خبر ملاقات مجاهدین با ضد انقلاب در هتلی در آلمان را افشاء کند که از کجا، به‌چه‌طریق و کدام منبع بدست آورده است؟

لیکن چه می‌توان کرد که خیانتکاران فرصت‌طلب در انتهای همان مقاله‌ی مردم ۶/خرداد پیشاپیش‌می‌نویسند:

"... به دلائل واضح پرسش تعجب رهبری مجاهدین خلق از حزب تودهی ایران، مبنی بر این‌که حزب تودهی ایران از چه منابعی در لندن گزارش مزبور را به دست آورده است قابل پاسخ‌گوئی نیست"

راستی چرا قابل پاسخ‌گوئی نیست؟ مگر شما شعار جبهه‌ی متحد خلق به عنوان اساسی- ترین مضمون مبارزه‌ی ضد امپر- یالیستی نمی‌دهید؟ ومگر اساسی‌ترین نکته‌ی کنگره‌ی انقلابی همین جبهه‌ی مجاهدین نیست؟ پس اگر صداقت دارید، در مسیر تاسیس چنین جبهه‌ای چرا حاضر نیستید از آلودگی‌های ساواکی‌و اپورتونیستی خود (که ریشه‌های دور و دراز دارد) بدین وسیله رفع اتهام کنید؟

وانگهی تعجب کنید که "پرسش تعجب!" نه فقط متعلق به رهبری و کلیه‌ی اعضاء وسرودهای هوادار مجاهدین خلق، بلکه "پرسش بسیارمعمولی" همه‌ی انقلابیون و همه‌ی‌مردم شریف و آزادی‌ی این سرزمین است که از بنیاد در ساخت و بافت حزب شما و سیاست‌های بورژوئی نفعی برده‌اند دارید. مگر خودتان بارها از دوران "تابرائیکر" سلطه‌ی ساواک بر سکلاسیان یاد نکرده‌اید؟ مگر به کرات ننوشته‌اید که در آن دوران "تابرائیکر" (که گویا هنوز هم با آنجا که به بسیاری منابع خبرگیری‌تان مربوط است ادامه دارد) حکومت در "جنگال" ساواک بوده‌اید؟ (توضیح در صفحه ۱۲۰)

از قضا دقیقا به همین دلایل بوده است که هم‌چنان که بارها کلک کرده‌اید مجاهدین حتی یک نشست و برخاست معمولی با رهبران حزب شما را نیز نپذیرفته‌اند (چرا که معلوم نیست کارش آن با کجای‌لندن‌وواشنگتن می‌رسد؟)

و دقیقا به همین دلیل بود که برادران مجاهد ما کارش کلیدی رابرت‌هائی را که تاکنون علیه مجاهدین داده‌اید" تحسین شرط بدترس و ملاقات با شما قرار داده‌بودید.(توضیح در مصاحبه‌ی برادر مجاهد مسعود رجوی راجع به حزب بوده)

بنابراین رهبران حزب شما از "به خطر افتادن منابع خبرگیری‌تان" به واهمه افتاده‌اید؛ این نیز به نظر ما بسیار سخیف و بی‌معنی است شما دیگر چرا از به خطر افتادن منابع خبرگیری‌تان بیم دارید؟ مگر بسیار دوستان در لندن کم‌است؟! راستی مگر آن ساواکی که به دول خودتان طی دوران‌های مبارزه‌ی در "جنگل" بوده‌اید کاملا مرده؟ و مگر آقای کیانوری در مناظره‌ی تلویزیونی رسما به‌آقای بهشتی "حق"! نداد که می‌توانید و حق دارید ساواکی‌ها را دوباره به خدمت‌بگیرید؟ کما این که کرده‌اید!

بنابراین‌کسی‌می‌تواند از به خطرافتادن منابع خبری واهمه داشته باشد که هم‌چون مجاهدین خلق و هم‌چون تمام انقلابیون و خلق ایران و رحمتکشان آن "به خدمت گرفتن دوباره‌ی ساواکی‌ها" را خیانتی (و به حقی!) عظیم به‌تمام خلق و تمام انقلاب تلقی‌کند. پس شما چرا؟! شما دیگر حد تعهدی دارید؟! راستی در آن سطح و سطرکاهی که به خدمت گرفتن ساواکی و مامور اطلاعات سرویس حق! باشد حد واهمه‌ای از به خطر افتادن "منابع" رواست؟

پس امروز، هرحد می‌خواهید دست در دست صحدان ارتجاعی برد فرصت- طلبی و خیانت بیارائید و شاید به شاید حد در کادر "تعهدی که بدون این که رسما اعلام شده باشد، عملا شکل شده" (کیانوری - پرسش و پاسخ ۵) و حد در تبلیغات ضد انقلابی علیه مجاهدین هم‌حط و هم‌صدا شوید، اما ما تکرار می‌کنیم: تا وقتی همه‌ی رابرت‌هائی که علیه مجاهدین و علیه کلیه‌ی نیروها و شخصیت‌های انقلابی و مترقی- خواه داده‌اید، تماما به خلق گزارش نشده، هر نیروئی که شما را به رسمیت بشناسد و با شما دست به دست بدهد، سهمی از خیانت‌های دور و دراز شما را بر دوش‌کشیده است و بس! زیرا که هر انقلابی و به طور اعم هر انسان شریف و آزاده و هر فرد آگاهی که خود به جهات مختلف ریگی به کفش نداشته باشد، فورا خود را نیازمند آن می‌بیند که‌مقدما حساب چند دهه فرصت‌طلبی و خیانت را از شما بازستاند.

بنابراین ما مجددا خاطرنشان می‌کنیم که هر قدر هم‌شما و صحدان ارتجاعی‌تان تدابیر جدی تر و سخت‌تر اتخاذ کنید، انقلاب ایران هرگز جسرای رابرت‌خبری‌های ضد انقلابی را در هر کسوت و مقام که باشد فراموش نخواهد کرد. و اکنون از مردم ایران باید پرسید که آیا صداقت، صفت برجسته‌ی حزب مردم‌فروش است و یا "وفاحت"؟

به راستی اگر تلاش مذبوحانه‌ای که در مردم ۶/ خرداد برای موجه جلوه دادن رابرت ضد انقلابی صورت گرفته، تلاش صادقانه‌ای است؟ پس دیگر غر و لند به مسئولین که‌چرا رابرت مربوطه به دست مجاهدین‌افتاده؟ و تقاضای "اتحاد تدابیر جدی" به چه معنی است؟ و اصولا چرا رابرتخبری‌ها نمایش اطلاع ضد انقلاب از تظاهرات و اعتراضات مجاهدین را برای تمام خلق افشاء نمی‌کنند؟ و یا چرا از افشاء آن ناراحت می‌شوند؟

ولی حقیقت این است که بر زوال الحائن حائف، مضمون دیگری نیز باید برای این عبارت افزود که همانا الخائن وفیح و بزرو و... است.

نمونه‌ی آن نیز در همین مردم ۶/ خرداد هویداست. توجه کنید که برجسته‌ترین

خصصه‌ی رهبران توده‌ای که همانا وفاحت است و بس، گویه در ماسمالی کردن رابطه‌ی ضد انقلابی‌شان علیه مجاهدین به کمک می‌آید:

آیا در اوایل اردیبهشت ماه ۶۰ در شهرهای مختلف ایران آسوب‌هائی که مجاهدین خلق نیز در آن شرکت فعال داشته‌اند به وقوع نپیوست. آری به وقوع پیوست.

آیا ضد انقلاب از وقوع این آسوب‌ها باخبر نبوده‌است؟ آری باخبر بوده است." مردم/۶ خرداد/۶۰

و اما دلیل وفاحت‌بار استدلالات بالا این که ضد انقلاب از ۲-۳ روز پیش از کار مجاهدین با خبر بوده:

"مجاهد در سرمقاله‌ی سراسر دشنام خود به خبر بودن ضد انقلاب از وقوع آسوب‌ها تأکید کرده و آگاهی ضد انقلاب از این آسوب‌ها را سر نکوبت مکرر داشته است..."

(مردم ۶/خرداد/۶۰)

آیا واقعا در تاریخ ضد مارکسی مارکسیست‌ها تا کنون حد وفاحت اسکولاستیکی آلوده بوده‌اند؟ یک بار دیگر سوال و جواب‌های اسکولاستیکی فرصت‌طلبان را مرور کنید تا وفاحت مواضع آن بارهم مضاعف‌شان را بیشتر بیازارد:

آیا آسوب به‌وقوع نپیوست؟ آری پیوست.

ضد انقلاب با خبر نبود؟ آری بود! دلیلش هم عدم نکوبت مجاهدین به خیل دشنام‌هائی که ما که مدتی حزبدار بودن سر انقلاب از کار آن‌ها بودیم دادند!!

واقعا که دست مریزاد به این حزب طراز نوین طبقه‌ی کارگر ایران!

شبها حیزی هم که فراموش نشده است که مجاهد در همان شماره‌ای که راپرت آقایان را افشاء کرده بود از آنجا که توضیح راپرت ۷/ اردیبهشت نبوده، نرسیده بود پس چرا ضد انقلاب از راه نمایشی عظیم مادران مسلمان در تهران در همین تاریخ ۲/۷ خبر نداشته که از طریق لیبرال ضد امپریالیست‌های توده‌ای را در جریان نگذارد؟

البته از این گونه

فراموشکاری‌های عمدی حسابشان و وضوحانه در کار حزب توده کم نیست کما این که اشاره فرموده‌اید (در همان شماره) که "اصطلاح توده - نفتی (را) رهبری مجاهدین خلق سرانجام پس از شاه و ساواک و دیگر وابستگان به این شجره‌ی خبیثه به کار برده است..."

بگفتا! انکار به انکار که معدی فقید بسوای کبیر بهجت ملی ایران در مذاقات خود سیاست توده - نفتی را عامل شکست بهمت خواند! ظاهرا وفاحت اپورتونیستی آن همان در این شجره‌ی طیبه! حزب توده ریشه دار است که بازهم در همین مقاله بصفحه حساب قدیمی ریکان با شوروی را فروسانده! به حساب مبارک خودشان گذاشته‌اند!

حال آن که ما در آینده به وضوح روشن خواهیم ساخت که میان مواضع شوروی با مواضع خائنانه‌ی ضد خلقی حزب توده در قبال بسیاری مسائل داخلی و خارجی ایران چه تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد. حزبی که بجای سرمساری از راپرت‌دادن‌های سراپاکذب بر علیه مجاهدین و تعدیدی سلطنتی ارتجاع برای مدارک ذبح آن‌ها، در کمال وفاحت ساهکار ضد انقلابی خود را بازه "سد... محکوست ..." مجاهدین نیز تلقی می‌کند (همانجا)

از همه‌ی این‌ها برگذریم!

"حزب توده‌ی ایران بارها و بارها مجاهدین خلق را از ارتکاب اعمالی که به سوء استفاده‌ی ضد انقلاب و امپریالیسم امریکا منجر می‌شود، برحذر داشته و نادرستی و زیان این اعمال را متذکر گردیده و تا آن‌زمان که همه‌ی عناصر صادق مجاهدین خلق عملا به جبهه‌ی خلق و انقلاب نگرویده‌اند، به این روش مسئولانه‌ی خود ادامه خواهد داد..."

(مردم/۶/خرداد/۶۰)

در همین سیاق روزنامه‌ی مردم در ۲/ خرداد/ ۶۰ نیز از قول رئیس حزب توده می‌نویسد:

"قصد ما در اینجا به هیچوجه درهم شکستن این سازمان (مجاهدین) نبوده و نیست. شما می‌خواهیم به مجاهدین خلق کمک کنیم که به راهی که به نظر ما به شما جنبش انقلابی و ضد امپریالیستی کشور ما، بلکه خیلی به خود آن‌ها صدمه می‌زند، نروند..."

صرفنظر از این که "درهم شکستن" سازمان مجاهدین خلق ایران لقمه‌ی خیلی خیلی بزرگی است که خیلی "نفوذی"! های حزب توده در ساواک نیز از این هوس‌ها به سرشان نمی‌زند! باید بگوئیم که:

به راستی مجاهدین چه فیم‌های خوبی دارند!! علیه ما راپرت می‌دهند و می‌خواهند به خود ما هم "صدمه" هم نخورد. ۲۵ سال ازدور در "جنگ" ساواک سازماندهی می‌کنند و تازه قصد کمک به مجاهدین هم دارند!

عجیب است که اپورتو - نیست‌های چپ و راست به مجاهدین که می‌رسند در یک نکته مشترک می‌شوند و آن هم قصد خیرخواهانه‌ی کمک!! آن هم کسانی که نفس زنده ماندن و نفس کشیدنشان مظهر جنبش "جز بتصویر و فرار و خیانت" نیست.

البته حضرات یک‌چیز را راست! می‌گویند و آن این که از سال‌ها پیش بارها و بارها ما را "از ارتکاب اعمالی که به سوء استفاده‌ی ضد انقلاب و امپریالیسم آمریکا منجر می‌شود" پرهیز داده‌اند. از اعدام انقلابی مستشاران آمریکا و کارگزاران ساواک گرفته تا افشاء لیبرال‌ها در آغاز انقلاب و افشاء توافق‌نامه‌های اخیر ایران و امریکا و قرارداد مالیوت و افشاء چپاول‌های بنیاد مستضعفین و افشاء جماق‌داران و سرانجام افشاء روش‌های خیانت‌بار اپورتونیستی مداوم ما را پرهیز و هشدار می‌داده و مداوم دستگاه‌های بوطئه‌شمارشان نیز در پرهیز دادن ما از طنب کردن حقوق خلق، به طور گوشخراش بوق می‌زده‌اند! البته بوق و کرنای چشمگیر گسترده‌ی دیگری نیز در این میان پیوسته (چه در زمان شاه و چه حالا) جریان داشته است که همانا مسالمه‌ی "دفاتر و فعالیت آزاد" حزب طراز نوین طبقه‌ی کارگر ایران!! است که بر سر آن می‌توان بر هر خیانت طراز نوین دیگری نیز

بس در داد و هیی ابعاد مضحک مناسبت‌های ساهانه را نیز سود!

از این حیث گفتار این شماره را با رسته استدلالی که نوع نادرست آن را خود حزب توده به‌کار برده بود به پایان می‌بریم و قضاوت را به خلق قهرمان ایران وامی‌گذاریم.

۱- آیا حزب توده که اکنون در پوست "خط امام" فرورفته همان حزبی که با دیروز در "جنگ" ساواک بود نیست؟ چرا هست!

۲- آیا حزب توده معجزه کرده و به یکباره از آن‌همه فساد و انحطاط سکتاریی مطهر شده؟

خیر نشده!

۳- آیا بر سر به دست آوردن امتیاز کسب و کار علنی (چه در زمان شاه خائن و چه حالا) حزب توده برای هر خیانت و راپرتچی‌گری علیه انقلابیون ایران و این که حتی دست مقامات ساواک را در عملیات انقلابی مسلحانه وانمود کند، آماده نبوده؟

چرا بوده!

۴- آیا وفاحت حزب توده در توجیه اقدامات ضد خلقی خود حد و مرزی دارد؟

نه‌ندارد!

نتیجه: حزب توده با ادامه‌ی خیانت به انقلاب و انقلابیون ایران، انقلابی‌ترین حکم و قضاوت خلق را بایستی انتظار بکشد.

(ادامه‌دارد)

پیشتاز شوراها، متحد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۱۳۳

اندر بیانیهٔ به‌اصطلاح مجاهدین بعد از انقلاب!

پیرو استقبال حزب توده و گروه‌نادمین‌اکثریت‌وگردانندگان نشریه‌ی آمد از اطلاعیه‌ی ۱۰ ماده‌ای به اصطلاح دادستان انقلاب، گروه موسوم به "مجاهدین (بعد از) انقلاب" نیز طی بیانیه‌ی شماره‌ی ۹۳ خود "با سپاس و شادی فراوان" از این اطلاعیه استقبال کرد!

الحق که "شاه" کارها و "قانون"تراشی‌های غیرقانونی دادستانی انقلاب را زیبنده شان به که از ناحیه‌ی مجاهدین فوق استقبال کردد!

البته این مساله که بدک مسلح و بازوی نظامی حزب حاکم که خود را سازمان سیاسی-نظامی می‌داند و سلاح‌ها و تجهیزات سبک و سنگین فراوانی هم در اختیار دارد، چگونه ممکن است پس به ضابطه و قانون و مقررات ندهد، خودش جای تردید و ابهام است. خود حضرات "مجاهدین" پس از انقلاب در بیانیه‌شان می‌نویسند که: "به وزارت کشور مراجعه و به ضوابط آنها گردن نهاده اند! حالا اینکه در مراجعه‌ی آنان به وزارت کشور پس "برادران"! چه گذشته است و مساله‌ی سلاح‌ها و تجهیزات سبک و سنگین این گروه چه شده است و بر سر خانه‌های امن و ... تمان‌های غصب شده‌شان چه آمده‌است و ... چرو "اسرار مگو" ست واحتمالا در یک نشست برادرانه با دادستانی انقلاب ومسئولین وزارت کشور همه‌ی این مسائل با خبر و خوشی فیصله یافته است! تازه خود این موضوع که سردمداران این گروه حتی دیروز از مجاهدین توده‌ای و اکثریتی خود به اطلاعیه‌ی ۱۰ ماده‌ای ظاهرا "کردن نهاده"اند نیز جای تامل دارد.

انگار که حتی نیازی به ظاهرسازی هم نداشته و لزومی به پذیرش رسمی قوانین خود ساخته نیز نمی‌دیده‌اند.

آنچه قطعی به نظر می‌رسد این است که حضرات، پس از انتشار نامه‌ی "مجاهدین خلق" به ریاست جمهوری - که طی آن درارتباط با مساله‌ی خلع سلاح به وضعیت این گروه اشاره شده بود- بوی هجل افتاده‌اند و برای ظاهرسازی هم که شده دست به انتشار این بیانیه زده‌اند!

باز هم جای شکرش باقی است که نامه‌ی اخیرما(مجاهدین) اقلا این تاثیر را داشته است که فالانژهای سوپر ارتجاعی فوق‌الذکر را وادار به پذیرش (هرچند صوری) ضوابط و مقرراتی کند!

آخر گروه هفت‌تیرکشی که در ابتدای اعلام موجودیت خود اعلام کردند که با مخالفین سیاسی و فکری خرد مسلحانه برخورد می‌کنند افرادش اختلافات شخصی خود را با راننده‌ی باکسی و مساجر خانه‌شان هم با گلوله پاسخ می‌دهند و مثل آب خوردن بوی کوچه وخیابان و زندان آدم سرور می‌کنند کجا و پذیرش ضابطه و قانون کجا؟

البته در پس همه‌ی این بازی‌ها و اطلاعیه‌ی ۱۰ ماده‌ای شماردادن‌ها وبیانیه‌ی شماره‌ی ۹۳ جواب‌دادن‌ها و ... تمام دعوا نه بر سر مسئله‌ی خلع سلاح که فی‌الواقع بر سر محدود کردن آزادی‌ها و نیروهای انقلابی و بخصوص مجاهدین خلق است!

و گر نه کیست که نداند که "مجاهدین خلق" به زمانی که مسلح بوده‌اند گلوله‌ای جز در سینه‌ی مستشاران و مزدوران آمریکائی و دشمنان مجاوز شلیک کرده‌اند و نه اگر هم بر طبق پیشنهادشان "با تضمین عملی رئیس جمهور در اجرای کامل قانون اساسی سلاح‌های خود را تحویل دهند، در مقابل کری و سنم ساکت خواهند نشست.

و کیست که نداند که سوپر ارتجاعیون مورد بحث و برادر بزرگشان یعنی حزب جمهوری موسوم به جمهوری نه تنها بر دادستانی انقلاب که بر تمام ارکان‌های مسلح حاکمیت‌سوارند و استعفایشان از اطلاعیه‌ی ۱۰ ماده‌ای هم چیزی فرار از یک خود فریبی احمقانه نیست؟

بیانیه‌ی حضرات در عین حال که پایی به‌نهادهای‌حکومت درس "قاطعیت" و "تهاجم" و "سرکوب" ودریک‌کلام‌فالانژگری می‌آموزد، درانتها خطاب به "همه‌ی گروه‌هائی که هنوز هم فریاد وآزادی سر می‌دهند و هیاهو به راه می‌اندازند"، "خاطرشان" می‌سازند "که این هم آزادی!"

براستی که "آزادی" اززبان کسانی که وجودشان سرشار از "سرکوب" و "تهاجم" است چه بی‌محتوا و بی‌ارج می‌شود. به این حضرات باید گفت که آقایان این "آزادی" بمکس شما و همفکرانتان باد! خلق ما "آزادی" را گدائی نمی‌کند آن را با سرنیزه‌ی تمام بدست می‌آورد.

جالب اینکه حضرات دادستانی و سایر مقامات به اصطلاح مسئول که علیرغم موضع‌گیری صریح مجاهدین خلق در مورد اطلاعیه‌ی ۱۰ ماده‌ای مرتبا عنوان می‌کردند که هنوز مجاهدین خلق مواضع خود را روشن نکرده‌اندهیچ‌وقت اشاره‌ای به گروه فالانژی فوق‌الذکر نکردند و از آنها نخواستند که مواضع خود را در قبال اطلاعیه‌ی مزبور روشن سازند!!

اما نکته‌ی آخر و جالب‌تر از همه اینکه حزب جمهوری که بدون شک سردمدارانش در تنظیم اطلاعیه‌ی ۱۰ماده‌ای دادستان نقش اساسی و تعیین کننده داشته و از قضا این اطلاعیه را بهانه‌ای برای سرکوب نیروهای انقلابی بویژه مجاهدین قرار داده‌اند، معلوم نیست چرا تاکنون خودشان (بعنوان یک حزب) موضع خود را در قبال این اطلاعیه مشخص نکرده‌اند؟!

گویا حضرات مست قدرت، حزب‌بازی خود را فراموش کرده و این بار خود را تنها در موضع دولت و حاکمیت دیده‌اند و از یاد برده‌اند، که دکانی نیز به اسم حزب دارند و باید جوابگوی آن نیز باشند!!

***

هوشیاری انقلابی خود را حفظ کنیم!

اطلاع پیدا کردیم که مرتجعین فرم‌هائی با آرم سازمان مجاهدین خلق ایران به عنوان فرم عضوگیری چاپ کرده‌اند که ضمن آن منجمله آمادگی افراد را برای بمب‌گذاری مورد سوال قرار داده‌اند. گو این که مرتجعین رسوا و افسرده‌تر از آن هستند که بتوانند خلق آگاه و قهرمان ما را فریب دهند و با این قبیل توطئه‌چینی‌ها هر روز به سرنوشت محتوم تاریخی خویش نزدیک‌تر می‌شوند ولی با این همه در قبال این قبیل توطئه ـ چینی‌ها از کلیه‌ی هموطنان عزیز خود می‌خواهیم با کسب و حفظ حداکثر هوشیاری انقلابی و خنثی‌کردن توطئه‌های ارتجاعی از طریق افشاکردن آن‌ها ما را یاری رسانید.

از مجاهد شماره ۱۲۳